

**سؤال:** کلیسای کاتولیک یعنی چه؟

**جواب:** سخنرانی همگانی پاپ فرانسوا

خواهران و برادران گرامی، صبح بخیر!

شما بسیار دلیر اید که امروز در این هوای بد بیرون آمدید: به شما تبریک می گویم! "من به کلیسای مقدس، جامع... ایمان دارم" امروز ما می ایستیم تا بر این نشان کلیسا درنگ کنیم: ما می گوییم که او جامع است، امسال سال جامعیت است. پیش از همه: جامع (کاتولیک) یعنی چه؟ این کلمه از واژه یونانی "کاتولون" می آید که به معنی "در همسازی با همه"، در تمامیت است. این تمامیت به چه معنی درباره کلیسا به کار می رود؟ به چه معنایی می گوییم که کلیسا جامع است؟ می گوییم که سه معنای اساسی هست.

۱). نخست کلیسا جامع است چرا که فضا است، خانه ای که ایمان در آن در تمامیتش به ما اعلام می شود که در آن رستگاری که مسیح برای ما آورد، به همگان پیشکش می شود. کلیسا ما را توانا می سازد تا با رحمت خدا روبرو شویم که ما را دگرگون می سازد چرا که عیسی مسیح در آن حاضر است که اعتراف راستین ایمان و پُری زندگی آیینی و اعتبار خادمان گماشته شده را به او بخشیده است. در کلیسا هر کدام از ما باور مورد نیاز برای زیستن در جایگاه یک مسیحی، برای مقدس شدن و برای سفر به هر جا و در هر زمانه ای را می یابیم.

برای نمونه می توان گفت مانند زندگی خانوادگی است. در خانواده هر چه سبب رشد و بلوغ و زندگی ما می شود به هر کدام از ما داده می شود. ما نمی توانیم خودمان به تنهایی رشد کنیم، نمی توانیم خودمان به تنهایی این راه را برویم. بلکه ما در یک جمع در یک خانواده این راه را می پیماییم و رشد می کنیم. و در کلیسا هم چنین است! در کلیسا ما می توانیم با خداوند در آیین ها روبرو شویم که پنجره های بازی هستند که از راه آنها روشنایی خداوند به ما داده می شود. جریان هایی که می توانیم زندگی خود خدا را از آنها برداشت کنیم؛ در کلیسا ما می آموزیم که در هم آیینی (مشارکت) و محبتی که از خداوند می آید، زندگی کنیم. هر کدام از ما می تواند امروز از خودش بپرسد: من در کلیسا چگونه زندگی می کنم؟ هنگامی که به کلیسا می روم، مانند زمانی است که برای یک مسابقه فوتبال به ورزشگاه رفته ام؟ آیا مانند آن است که به سینما رفته ام؟ نه، چیز دیگری است. چگونه به کلیسا می روم؟ هدایایی که کلیسا به من پیشکش می کند را چگونه برای رشد و بالغ شدن به عنوان یک مسیحی دریافت می کنم؟ آیا در زندگی جمعی

شرکت می کنم یا به کلیسا می روم و در گرفتاری های خودم از دیگران جدا هستم؟ به این نخستین معنا، کلیسا جامع است چرا که خانه همه است. هر کسی یک فرزند کلیسا است و همه خانه خودشان را در آن پیدا می کنند.

۲). معنای دوم: کلیسا جامع است چرا که جهانی است، در هر گوشه جهان پخش شده و انجیل را به هر زن و مردی اعلام می کند. کلیسا، گروهی از نخبگان نیست؛ تنها نگران شمار کمی نیست. کلیسا مرزی ندارد؛ کلیسا حتی در کوچکترین بخش هایش برای تمامیت مردم برقرار شده است. هر کس می تواند بگوید: در ناحیه من کلیسای کاتولیک حاضر است، چرا که آن هم بخشی از کلیسای جهانی است، از آنجا که او هم دربردارنده پُری هدیه های مسیح است: ایمان، آیین ها، خادمان (گماشته شده)؛ این در هم آیینی (مشارکت) با اسقف با پاپ و با هر کسی است، بدون برتری. کلیسا نمی تواند تنها در سایه برج (ساختمان کلیسای) ما بماند؛ بلکه او در آغوش گیرنده شمار گسترده ای از مردم و ملت ها است که به همان ایمان معترف اند، با همان آیین سپاسگزاری پرورده می شوند و همان شبانان به آنان خدمت می کنند. احساس کردن این که با تمامی کلیسا با همه انجمن های کاتولیک کوچک و بزرگ هم آیین ایم (در مشارکت ایم)؛ این زیباست! و بعد احساس این که همه ما در مأموریت ایم، انجمن های بزرگ و کوچک، همه مانند هم، این که همه ما باید درها را باز کنیم و برای انجیل بیرون برویم. پس بیایید از خود پرسیم: برای آن که شادی روبرویی با خداوند، شادی از آن کلیسا بودن را به دیگران برسانم چه کنم؟ اعلام و گواهی دادن بر ایمان، کار شمار اندکی نیست؛ این به من و شما هم وابسته است، به هر کدام از ما!

۳). اندیشه سوم و پایانی: کلیسا جامع است، چرا که "خانه هماهنگی" است جایی که یگانگی و گوناگونی می دانند چگونه یکی شوند تا به سرچشمه بزرگ توانگری تبدیل شوند. به تصویر یک سمفونی بیاندهشیم که در بردارنده همسازی، هماهنگی و هم نوازی سازهای گوناگون است. هر کدام طنین بی مانند خود را نگاه می دارد و صداهای ویژه هر کدام پیرامون آهنگی یکسان با هم می آمیزند. پس کسی هم هست که ارکستر را هدایت می کند، رهبر ارکستر، و هنگامی که سمفونی اجرا می شود، همه در "هماهنگی" می نوازند. اما هیچگاه از طنین یک ساز تنها کاسته نمی شود؛ به راستی که یکتایی هر کدام از سازها اوج می گیرد!

این تصویری است زیبا که به ما می گوید کلیسا مانند ارکستری عظیم است که در آن گوناگونی بسیار هست.

همه ما یکی نیستیم و قرار هم نیست که یکی باشیم. همه ما متفاوتیم، گوناگونیم، هر کدام از ما با توانایی های ویژه اش. و این زیبایی کلیسا است: هر کس برای توانگر کردن دیگران، هدایایی را که خداوند به او داده، می آورد. و در میان اجزای رنگارنگ، گوناگونی هست؛ وانگهی این گوناگونی به کشمکش و رودررویی نمی انجامد. این رنگارنگی ای است که به روح القدس اجازه می دهد تا آن را تا (رسیدن) به یک هماهنگی در هم بیامیزد. و بیایید اینجا از خودمان

پرسیم: آیا در انجمن هایمان در هماهنگی زندگی می کنیم یا با یکدیگر می ستیزیم؟ آیا در ناحیه کلیسایی من، در جنبش من، جایی که من بخشی از کلیسا هستم، بدگویی هست؟ اگر بدگویی هست، نه هماهنگی، بلکه کشمکش در کار است و این کلیسا نیست. کلیسا بودن همه در هماهنگی است: هرگز درباره دیگران بدگویی نکنید، هرگز مجادله نکنید! بیایید بپذیریم که گوناگونی مناسبی هست که این فرد متفاوت است، که این فرد درباره چیزها اینگونه و آنگونه فکر می کند- بپذیریم که ما می توانیم در ایمانی یگانه و مشابه درباره چیزها متفاوت ببانددیشیم- یا اینکه تمایل داریم همه چیز را یکنواخت کنیم؟ اما یکنواختی زندگی را می کشد. زندگی کلیسا رنگارنگی است، و زمانی که می خواهیم این یکنواختی را به همه تحمیل کنیم، داریم هدیه های روح القدس را می کشیم.

بیایید روح القدس را نیایش کنیم، او که به راستی آفریننده این یگانگی، رنگارنگی و هماهنگی است، باشد که او هر چه بیشتر ما را در این کلیسایی که کاتولیک و جهانی است "جامع" گرداند! سپاسگزارم.